ترانه‌های کوچکِ غُربت (1356 - 1359)

بچه‌های اعماق

مترسک

هجرانی ( چه هنگام مي زيسته ام؟ ...)

هجرانی (تلخ، چون قرابه ي زهری ...)

هجرانی (که ايم و کجاييم؟ ...)

هجرانی ( جهان را بنگر، سراسر ...)

هجرانی (غم اينجا نه، که آن جاست ...)

ترانه‌ی هم‌سفران

آخر بازی

هجرانی (سينِ هفتم، سيبِ سُرخی ست ...)

صبح

در اين بُن‌بست

ترانه‌ی کوچک

خطابه‌ی آسان ، در اميد

در لحظه

رستاخيز

شبانه (گويي | هميشه چنين است ...)

شبانه (نه | تو را بر نتراشيده ام ...)

عاشقانه(بيتوته ي کوتاهی ست جهان ...)

عاشقانه (آن که مي گويد دوست ات مي دارم ...)